

## رادیو فردا در هفته‌ای که گذشت! (شماره 191)

15/01/1397 الی 08/01/1397

در یکصد و نود و یکمین شماره از مجله هفتگی رادیو دیروز در قالب سری گزارشات «رادیو فردا در هفته‌ای که گذشت!»، بخشی از مهم‌ترین فعالیت‌های این رسانه صهیونیستی – آمریکایی در دومین هفته از فروردین ماه 1397 را به طور خلاصه مورد بررسی قرار می‌دهیم.

### رادیو دیروز گزارش می‌دهد؛

هفته دوم فروردین ماه 1397 را می‌توان هفته خود فروشی‌های رسانه صهیونیستی – آمریکایی رادیو فردا برای دشمنان و خائنان به جمهوری اسلامی ایران دانست؛ جایی که این رسانه به ظاهر حرفه‌ای را در نقش بلندگویی برای بازتاب ادعاهای ضد ایرانی و توهمات بی اساس و تبلیغ خیانت‌های متعدد می‌بینیم. از توهمات مقامات سعودی در حوزه‌های مختلف گرفته تا خیانت‌های درویش گنابادی، موضعاتی بوده‌اند که در همین مسیر، فعالیت‌های این هفته رادیوی فارسی زبان دولت آمریکا را به خود اختصاص داده‌اند.

در همین راستا رادیو دیروز با تنظیم و انتشار مجله‌ای هفتگی با عنوان «رادیو فردا در هفته‌ای که گذشت!» بخشی از مهم‌ترین برنامه‌ها و گزارش‌های این رسانه آمریکایی را به طور خلاصه مورد بررسی و تحلیل قرار دهد و واقعیت‌های تحریف یا پنهان شده را در اختیار مخاطبین خود قرار دهد.

بر این اساس، آن چه در ادامه مطالعه خواهید کرد، یکصد و نود و یکمین شماره از این مجله هفتگی رادیو دیروز است که به بررسی بخشی از فعالیت‌های رادیو فردا در طول دومین هفته از فروردین ماه سال 1397 (08 الی 16 فروردین ماه 1397) پرداخته است.

شما مخاطبین گرامی می‌توانید در یکصد و نود و یکمین شماره مجله هفتگی رادیو دیروز، بررسی موضوعاتی از قبیل بازتاب تهدید نظامی ایران از طرف آل سعود، خیانت عربستان سعودی به جهان اسلام و دنیای عرب، تلاش برای ساختن یک مظلوم از خائنین به ملت ایران، بازتاب نگرانی‌های دروغین جهانی برای زنان ایرانی، حمایت‌های تکراری و سیاسی از قاتل سربازان ایران و ... را می‌توانید مشاهده نمایید.

### تریبونی برای توهمات آل سعود

یکی از موضوعاتی که بیشترین سهم را در فعالیت‌های این هفته رسانه صهیونیستی – آمریکایی رادیو فردا به خود اختصاص داده، بازتاب ادعاهای واهی و توهمات مقامات آل سعود علیه جمهوری اسلامی ایران و در خصوص تحولات منطقه است که به طور جدی می‌توان آن را در گزارش‌های پر تعداد رادیو فردا مشاهده کرد و حتی می‌توان بر همین اساس، تبدیل شدن جدی رادیو فردا به تریبونی برای عربستان سعودی را مهم‌ترین رویکرد فعالیت‌های این رسانه نما در هفته گذشته دانست.

بر همین اساس در ادامه به طور نمونه تعدادی از این خوش خدمتی‌های رادیو فردا برای آل سعود را مورد بررسی قرار می‌دهیم:

## کابوسی که آل سعود دنبال آن است!

یکی از گزارش‌های رادیو فردا در این هفته به خیال پردازی‌های خام مقامات عربستان سعودی در خصوص جنگ نظامی با ایران پرداخته است؛ جایی که آن‌ها خود را در نقش پهلوان پنبه دیده و در رویاهایشان از احتمال پیروزی عربستان بر جمهوری اسلامی سخن می‌گویند.

رادیو فردا در گزارش خود، نوشته است: «محمد سلمان، ولیعهد عربستان، در گفت‌وگو با روزنامه وال استریت جورنال، از جامعه جهانی خواست تا برای جلوگیری از رویارویی نظامی در منطقه بر فشارهای اقتصادی و سیاسی علیه ایران بیفزاید. او در این مصاحبه که روز پنج‌شنبه، ۲۹ مارس (نهم فروردین)، در وال استریت جورنال منتشر شده، افزود که "اگر در تلاش‌های خود در این زمینه موفق نشویم بعید نیست در ۱۰ تا ۱۵ سال آینده شاهد جنگ با ایران باشیم." محمد بن سلمان، ولیعهد و در عین حال وزیر دفاع عربستان سعودی، پیش از سفر خود به آمریکا، سخنانی انتقادی علیه جمهوری اسلامی بیان کرد و در حالی که هم‌اینک در آمریکا به سر می‌برد، در دیدارهای مختلف نظرات مشابهی را اعلام کرده است. پیش از انجام این سفر، ولیعهد عربستان در گفت‌وگو با برنامه "شصت دقیقه" شبکه تلویزیونی "سی‌بی‌اس" گفته بود: "عربستان سعودی به دنبال دستیابی به بمب اتمی نیست، ولی اگر ایران بمب هسته‌ای بسازد بدون تردید ما نیز به سرعت این کار را خواهیم کرد." او در این گفت‌وگو همچنین ایران را به "پناه دادن به عناصر القاعده" متهم کرده بود.»

"پتر لووف" کارشناس روس در مسائل بین‌الملل در گفتگو با خبرگزاری تحلیلی "اوکو پلانت" در واکنش به سیاست‌های ضد ایرانی آل سعود تأکید می‌کند که "عربستان سعودی به‌زودی خواهد فهمید که تسلیحات مدرن گران‌قیمت که به ارزش ده‌ها میلیارد دلار پول نفت از ایالات متحده خریداری کرده، هیچ‌گونه پیروزی برای ریاض به ارمغان نمی‌آورد. عربستان وارد جنگی تمام‌عیار شده است، جنگی که پیروزی نظامی در آن غیرممکن است، چراکه این جنگ نیازمند به زمان طولانی و هزینه‌های مالی فراوان است و از طرفی دیگر تهران از قدرت نظامی بسیار بالایی برخوردار است و موشک‌های ایران قادر به منهدم کردن هرگونه هدف در خاک شبه‌جزیره عربستان هستند. علاوه بر این در صورت کاهش قیمت نفت، عربستان سعودی با کسری بودجه بزرگی مواجه خواهد شد و در نهایت به‌جز شکستی دیگر چیزی برای خاندان آل سعود در بر نخواهد داشت".

"ویکتور مورخوفسکی" سردبیر مجله "آرسنال میهن" در همین رابطه اذعان می‌کند: "نیروهای مسلح عربستان سعودی با وجودیکه از سالها قبل با تسلیحات نظامی آمریکایی مجهز می‌شده‌اند، حتی در جنگ‌های زمینی و پارتیزانی هم از آمادگی رزمی بالایی برخوردار نیستند، چه رسد به نبردهای هوایی و دریایی که نیازمند تخصص و آمادگی فنی بالایی هستند. در رابطه با احتمال جنگ عربستان با ایران، باید بگویم که عربستان سعودی چه به تنهایی و حتی با مشارکت متحدین خود در جهان عرب هم قدرت رویارویی با ایران را ندارد و توان نظامی این کشور با ایران قابل مقایسه نیست".

با این وجود آیا رویای آل سعود برای جنگ با ایران می‌تواند رؤیایی شیرین باشد یا کابوسی دردناک؟!

## از جنگ تا خیانت با آل سعود!

خیانت آشکار عربستان سعودی به هم‌زبانان و هم‌کیشان خود در فلسطین و به عبارتی به جهان اسلام و عرب، یکی دیگر از موضوعاتی بوده است که رادیو فردا در این هفته برای خوش‌خدمتی آن را به طوری ویژه بازتاب داده است.

این رسانه صهیونیستی - آمریکایی در گزارشی می‌نویسد: «محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان، روز ۱۳ فروردین در نشست در نشریه آتلانتیک، گفته‌است هم مردم اسرائیل و هم فلسطینی‌ها، حق دارند زندگی مسالمت‌آمیزی در سرزمین‌های خود داشته باشند. محمد بن سلمان می‌گوید صلح در خاورمیانه منافع مشترکی برای اسرائیل و کشورهای عرب همراه می‌آورد. اظهارات تازه ولیعهد

عربستان نشانه دیگری از نزدیک شدن ریاض و اسرائیل، به ویژه در پیوند با نگرانی‌های مشترک آن‌ها در مورد جمهوری اسلامی ایران، برآورد شده است. طی دیدار روز دوشنبه ولیعهد عربستان از هیئت تحریریه نشریه آتلانتیک، او در پاسخ به پرسشی در مورد "حق یهودیان برای حکومت بر دست‌کم بخشی از سرزمین اجدادی خود" گفته است "من بر این عقیده هستم که هم فلسطینی‌ها و هم اسرائیلی‌ها، هر یک حق دارند سرزمین خود را داشته باشند. ولی ما باید به یک توافق صلح دست پیدا کنیم، تا در مورد ثبات برای همه طرف‌ها اطمینان حاصل شود و برای این‌که روابط عادی داشته باشیم."»

ولیعهد سعودی که این روزها از صلح اسرائیل و حق صهیونیست‌ها سخن می‌گوید نه تنها به دین و شریعت اسلام پشت کرده و انسانیت را نادیده می‌گیرد، بلکه تاریخ گذشته اعراب را هم به فراموشی سپرده است.

روزی اجداد عرب محمد بن سلمان در دفاع از آزادی فلسطین و اعتراض به اشغالگری اسرائیل دست به جنگ می‌زدند و اکنون این جوان سعودی از حق صهیونیست‌ها برای تداوم اشغال سرزمین‌های مردم فلسطین سخن می‌گوید.

اما بررسی‌ها نشان می‌دهد که نزدیکی روابط اسرائیل و عربستان سعودی به محمد بن سلمان نیز محدود نیست و طی کردن پله‌های نردبان این دوستی شوم در سال‌ها پیش آغاز شده است.

نشریه آمریکایی "فارین آفرز" در چهار سال پیش با انتشار مقاله‌ای از همکاری‌های پنهان رژیم اشغالگر قدس و عربستان سعودی پرده برداشت؛ در بخشی از این مقاله که به قلم "اشر اورکابی" منتشر شده است، این گونه آمده است: «روابط عربستان و اسرائیل در پی ناآرامی‌های فراگیر این سال‌ها در خاورمیانه دوستانه و گرم‌تر شده است. آن دو که سال‌ها با هم رقابت کرده‌اند اکنون تهدیدهای مشترکی را رویاروی خود می‌بینند که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از برنامه هسته‌ای ایران و "داعش". علی النعیمی، وزیر نفت عربستان، در ماه نوامبر پیشین از آمادگی کشورش برای فروش نفت به اسرائیل خبر داد. این درحالی است که این کشور هنوز به طور رسمی اسرائیل را به رسمیت نمی‌شناسد. نعیمی در وین به خبرنگاران گفت: ملک عبد الله همواره الگوی روابط حسنه میان عربستان و سایر کشورها بوده است و "دولت یهودی" در این میان استثنا نیست. چند ماه پیش از اظهار نظر مزبور، ترکی فیصل، رییس سابق اطلاعات عربستان، مقاله‌ای را در روزنامه اسرائیلی هآرتس منتشر کرد. هر چند که فیصل در این مقاله مطلب جدیدی به موضع گیری اتحادیه عرب درباره روند صلح - عقب نشینی اسرائیل به مرزهای قبل از سال 1967 - نیافزود، اما انتشار مقاله در یک روزنامه اسرائیلی مقدمه‌ای مهم و اقدام قابل توجهی به شمار می‌رود. این‌ها نشانه‌ها و اشاره‌هایی بود که در پی سال‌ها پیشگویی درباره هماهنگی اسرائیل و عربستان برای حمله به تاسیسات هسته‌ای ایران مشاهده می‌شد.»

یک روزنامه مصری نیز از نگاهی دیگر به این ارتباط دوستانه اسرائیل و عربستان پرداخته است؛ روزنامه الشرق مصر با انتشار اسنادی تأکید کرده است: "طبق مکاتبات بین و کاخ سفید در تاریخ 27 دسامبر 1966 به صراحت از اسرائیل خواسته شده است تا سیناء را اشغال کند و این مربوط به دوره تنش بین قاهره و ریاض است و عجیب‌تر اینکه عربستان برای تقویت ارکان رژیم صهیونیستی تلاش کرده و پیشنهاد حمله به سوریه و جداسازی بخشی از آن (جولان) را پیشنهاد کرده است. عربستان همچنین از اسرائیل خواسته است تا غزه و کرانه باختری را تحت سیطره خود بگیرد تا به این ترتیب راه هر گونه تحرکات فلسطینیان و یا تلاش‌های هر کشور عربی برای آزادسازی فلسطین بسته شود و در آن صورت حق بازگشت آوارگان فلسطینی و قضایای حل و فصل نهایی نیز حذف می‌شود همچنانکه سیطره بر کرانه باختری به معنای سیطره بر قدس است که رژیم اشغالگر این پیشنهاد را عملی کرده و در جنگ ژوئن سال 1967 اراضی عربی را به اشغال خود درآورد و آنگونه که از اسناد بر می‌آید این پیشنهاد عربستان مربوط به تاریخ 27 دسامبر 1966 است."

## نگرانی‌های سیاسی برای خاتمین بزرگ

پرونده ویژه دیگری که در این هفته و در بین فعالیت‌های رسانه صهیونیستی - آمریکایی رادیو فردا مورد بررسی قرار می‌دهیم، به نگرانی‌ها و حمایت‌های سراسر سیاسی این مجموعه و اربابانشان از فرقه دراویش گنابادی و خاتمین بزرگی است که با جنایت‌هایی بی‌شمار از پشت بر ملت و سرزمین خود خنجر می‌زنند.

در این هفته بارها شاهد گزارش‌های رادیو فردا برای این موضوع بوده‌ایم و به همین دلیل نیز در ادامه تعدادی از آن‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهیم:

## مظلوم‌نمایی برای بهانه‌سازی!

رادیو فردا در یکی از این گزارش‌ها، این هفته از دروایش یک مظلوم بزرگ برای مخاطبین خود به تصویر درآورده و تلاش می‌کند تا جمهوری اسلامی را به انتقام‌جویی ناعادلانه علیه این مظلومان متهم کند.

این رسانه صهیونیستی - آمریکایی در گزارش خود نوشته است: «سال ۹۷ در حالی شروع شده که فشارها بر نیروهای سیاسی، مدنی و مذهبی دگراندیش افزایش ملموسی پیدا کرده است. در این میان دروایش گنابادی در کانون فشارها و برخوردهای سنگین امنیتی قرار دارند. کاربست نافرمانی مدنی و مقاومت و مبارزه آنها برای دفاع از حقوق خود و آزادی مذهب و ممانعت در برابر تعرض به رهبرشان نورعلی تابنده باعث هراس اقتدار طلبان شده و از اینرو شدت عمل در برخورد با آنها و مجازات‌شان برای درس عبرت دیگر گروه‌های منتقد و مخالف را در دستور کار قرار داده‌اند. بر مبنای برخی از گزارش‌ها دروایش زندانی تحت فشار و شکنجه برای اعتراف در چارچوب مورد نظر دستگاه امنیتی قرار گرفته‌اند. بر خلاف ادعای نهادهای سیاسی و تبلیغاتی جمهوری اسلامی، دروایش گنابادی عمدتاً قربانی فشار و خشونت ناموجه دولتی بوده‌اند. اقدامات خشنی که به آنها نسبت داده می‌شود حتی در صورت صحت به مراتب دامنه کمتری داشته و همچنین در مقام دفاع و واکنش به خشونت‌های بزرگتر حکومت و نقض حقوق گسترده بروز یافته است. دروایش گنابادی در اتفاقی پارادوکسیکال یکی از رادیکال‌ترین نیروهای مدنی و اجتماعی در مواجهه با اقتدار گریبان میهنی بوده‌اند. در حالی که تعالیم آنها بر صلح، برادری، و دوری از مادیات و تمرکز بر امور معنوی استوار است اما آنها تصویر عزلت‌نشینی شکل گرفته در افکار عمومی نسبت به منش درویشی و برخورد منفعلانه مشهور را دگرگون ساخته‌اند. برخورد فعال آنها در دفاع از کیش و آئین خود عرصه مقاومت در برابر سرکوب دولتی را شور و تحرکی چشم‌نواز بخشیده است. این رویکرد در کنار انسجام بالای تشکیلاتی آنها و همت و اراده قوی در دفاع از هم‌مسلمکی‌ها، تهدید بزرگی را متوجه جمهوری اسلامی کرده است که سازمان‌یافتگی و توانمندی اراده جمعی هیچ گروهی از جامعه خارج از پایگاه اجتماعی خود را بر نمی‌تابد. گسترش فشارها و اقدامات ایدئولوژیک حکومت در دهه گذشته که شامل بازداشت، محرومیت از تحصیلات دانشگاهی و تخریب حسینه‌های دروایش گنابادی بوده است، نتوانسته خللی در تلاش هدفمند آنها در حفظ و توسعه آئین‌شان داشته باشد. آن‌ها در مواجهه با سختی‌ها، منسجم‌تر عمل کرده‌اند. دروایش گنابادی همچنین در واکنش به برخوردهای انقباضی در عرصه سیاسی فعال‌تر شده‌اند. البته رویکرد سیاسی آنها ناظر به مسئولیت سیاسی است که خواسته‌های چون استقلال جامعه مدنی، گسترش آزادی‌ها و بخصوص رعایت الزامات آزادی مذهب و نفی تفتیش عقاید را دنبال می‌کند. آن‌ها داعیه‌ای برای کسب قدرت سیاسی ندارند.»

بازخوانی دلایل حمایت شدید و همه‌جانبه غرب و ابزارهای رسانه‌ای آن‌ها از فرقه دروایش گنابادی می‌تواند به ما کمک کند تا بفهمیم این دلسوزی رادیو فردا برای آن‌ها ناشی از چه بوده و چه هدفی در پشت پرده آن وجود دارد.

استفان شوارتز (نویسنده و تحلیل‌گر غربی) فاش می‌کند بر اساس طرحی محرمانه که در پنتاگون (وزارت دفاع آمریکا) بررسی شده است. یکی از هفت هدف دنیای غرب برای موفق شدن در دنیای اسلام کمک به بازگشت تصوف به این جوامع است که به عنوان جایگزین و رقیبی برای اسلام رادیکال به شمار می‌رود.

برنارد لوبیس هم در کنفرانسی که در بنیاد نیکسون برگزار شد به دولت بوش پیشنهاد کرد که برای ارتقای سطح گفتگو بین آمریکا و دنیای اسلام با شیخ محمود هشام کعبانی رهبر بزرگترین گروه صوفیه به مذاکره بنشینند.

نویسنده آنگاه خصوصیت صوفیه را بررسی کرده و می‌گوید: ایران به عنوان یکی از کانون‌های مهم صوفیه در جهان اسلام است.

وی خاطر نشان می‌کند: بیشتر آثار صوفیه به زبان فارسی است. پلورالیسم و میانه روی تصوف چه بسا نقش تعیین کننده‌ای در دوره گذار جهان اسلام داشته است.

و همه این‌ها در شرایطی اتفاق می‌افتد که باید بدانیم بنیاد نیکسون یکی از نهادهای عمده تصمیم‌گیری سیاست‌های دولت آمریکا است که توسط ریچارد نیکسون (رئیس جمهور سابق آمریکا) تأسیس گردید، به طور ویژه فعالیت‌های خود را حول محور (اسلام زدایی) در دهها کشور مسلمان و بالاخص مهم‌ترین قطب سیاسی جهان اسلام یعنی (جمهوری اسلامی) و راههای مقابله با نظام اسلامی و ملت مسلمان ایران از طریق ارتباط با عناصر گروه‌ها و فرقه‌های معاند منحرف و بریده از ملت در داخل و خارج از کشور و نیز هدایت سیاسی مادی و پشتیبانی از آنان چهره سازی ایجاد تفرقه و برپایی تشنج تمرکز کرده‌اند.

### حمایت از عاملین آزار دختران به بهانه حمایت از زنان

رادیو فردا با انتشار گزارشی دیگر در حمایت از فرقه در اویش گنابادی، اینبار از نگرانی‌های جهانی برای وضعیت زنان بازداشتی عضو این فرقه در کشورمان خبر داده است.

این رسانه فارسی زبان وابسته به کاخ سفید در گزارشی با عنوان «عفو بین‌الملل خواستار آزادی ۱۱ درویش زن از زندان قرچک شد»، نوشته است: «سازمان عفو بین‌الملل در بیانیه‌ای که روز پنج‌شنبه نهم فروردین منتشر شد از وضعیت دست‌کم ۱۱ درویش زن که در زندان قرچک نگهداری می‌شوند ابراز نگرانی کرد و خواستار آزادی فوری آنها شد. پیش‌تر گزارش شده بود که در حادثه یکم اسفند در اطراف منزل نورعلی تابنده، رهبر درویش گنابادی، در خیابان پاسداران تهران بیش از ۷۰ درویش زن بازداشت شدند که ۱۱ تن از آنها به زندان قرچک انتقال یافته‌اند. بنابر بیانیه عفو بین‌الملل، زنان درویش در زندان قرچک از ابتدای بازداشت دسترسی به وکیل نداشته‌اند و از سوی دیگر در مورد شیمیاء انتصاری که به بیماری آسم مبتلاست و همچنین سایر زندانیانی که هنگام بازداشت و پس از آن دچار جراحاتی شده‌اند تاکنون هیچ اقدامی صورت نگرفته است. سازمان عفو بین‌الملل با اشاره به وضعیت غیرانسانی زندان قرچک، که از مرغداری به محل حبس صدها زن تبدیل شده، بازداشت این ۱۱ زن درویش را "خودسرانه" و همراه با "آزار و سوء رفتار" خوانده است. در جریان درگیری‌هایی که سی‌ام بهمن و یکم اسفند گذشته در در اطراف منزل نورعلی تابنده، رهبر درویش گنابادی، در خیابان گلستان هفتم محله پاسداران تهران روی داد سه مأمور پلیس و یک عضو بسیج کشته و بیش از ۳۰۰ نفر از درویش معترض بازداشت شدند.»

اما وقتی خبر فوق را بررسی می‌کنیم به این واقعیت می‌رسیم که اصلاً در آن شب و آشوب‌های درویش، علیرغم قانون شکنی‌های پیاپی آن‌ها که شایسته مقابله انتظامی و قضائی است، هیچ زنی در بازداشت باقی نمانده است و به عبارتی این دلواپسی جهانی برای یک دروغ است.

مرکز اطلاع‌رسانی پلیس کشورمان در خصوص ادعاهای مطرح شده در همین رابطه، با انتشار پیامی به صراحت تأکید کرده است که هیچ یک از زنان بازداشت شده در اویش در اختیار پلیس نیستند و حتی یکی از زنانی که در شب حادثه از سوی پلیس بازداشت شده بود با توجه به اظهاراتش مبنی بر باردار بودن، بلافاصله توسط پلیس آزاد شده است.

بعلاوه، آیا هر زنی اگر جرمی مرتکب شود به دلیل جنسیتش نباید مورد برخورد قانونی قرار بگیرد؟! آیا در آمریکا اگر زنی قانون شکنی کند، آزاد است؟!!

از آن گذشته، نباید فراموش کرد که فرقه درویش و سران آن بزرگترین ظالمان در حق زنان هستند و اسناد منتشر شده و افشاگری‌های صورت گرفته در این رابطه گویای این واقعیت است.

یک نمونه این موارد به شخصی با عنوان "شیخ گراشی" مربوط می‌شود که با دارا بودن جایگاه "وفا علی" در فرقه درویش گنابادی به نمایندگی این فرقه در منطقه استان فارس و جنوب کشور مشغول بود و رسوایی و افشاگری صورت گرفته در خصوص تجاوز وی به دختران که با شکایت رسمی یک خانواده از وی علنی شد، جنبه‌ای دیگر از آزار دختران در بین درویش را نشان داد؛ جالب است که قطب این فرقه و رسانه‌های آن‌ها کمترین واکنشی به این جنایت نشان ندادند و تنها با تشکیل جلسه‌ای صوری، وی را از مقام معنوی خود به دلیل الزایمر خلع کردند که این نیز خود نشان دهنده پوچی فرقه درویش است زیرا جایگاه عرفانی چیزی نیست که یک شخص آن را تأیید یا فسخ کند.

در نمونه‌های دیگر نیز دردل‌ها و ناله‌های یک خانواده که خود از پیروان فرقه درویش بوده‌اند در حضور مراجع قضایی عمق این فاجعه را نشان می‌دهد؛ جایی که اینبار پای شخصی به نام "دکتر نوربخش"، رهبر سلسله نعمت‌اللهی در آمریکا به میان آمده که از دختری جوان سوءاستفاده کرده است.

### آخرین تلاش‌ها برای بهره‌برداری از درویش داعشی

رادیو فردا در گزارشی بار دیگر به موضوع دادگاه "محمد ثلاث" درویش داعشی یا همان راننده اتوبوس دیوانه خیابان پاسداران تهران پرداخته و در واکنش به حکم صادر شده برای این مجرم، آخرین دفاعیات خود را از او مطرح می‌کند.

این رسانه فارسی زبان وابسته به کاخ سفید در گزارش خود تلاش می‌کند تا اتفاقات تلخ شب حادثه در خیابان پاسداران را به گردن نظام جمهوری اسلامی و نیروهای امنیتی - انتظامی کشورمان بیاندازد و به همین دلیل می‌نویسد: «محمد ثلاث، متهم زیر گرفتن سه مأمور پلیس با اتوبوس در جریان درگیری بین درویش گنابادی و نیروهای امنیتی در خیابان پاسداران تهران، به سه بار قصاص محکوم شده است. محمد شهریاری، سرپرست دادستان امور جنایی تهران، روز چهارشنبه ۱۵ فروردین بدون اشاره به جزئیات حکم محمد ثلاث، از درویش گنابادی، به خبرگزاری ایسنا گفت که او علاوه بر قصاص، به حبس نیز محکوم شده است. حسین رحیمی، فرمانده نیروی انتظامی تهران، پیش از این اعلام کرده بود که این درویش گنابادی قبل از پایان سال ۹۶ اعدام خواهد شد. بر اساس قانون، پس از صدور حکم، متهم و وکیل وی برای اعتراض ۲۰ روز فرصت دارند. محمد ثلاث با رد اتهام‌های وارد شده، در یکی از جلسات دادگاه خود گفت که "۱۷ جای شکسته روی سر من وجود دارد. آن‌ها {مأموران} اول چندین ضربه به من وارد کردند و باعث عصبانیت من شدند". وی در آخرین دفاعیات خود نیز گفت که می‌ترسیده مأموران دوباره سوار اتوبوس شوند و وی را "مورد ضرب و شتم" قرار دهند. این درویش گنابادی از "ضعف بینایی" خود خبر داده و با بیان اینکه "دو متری را هم تشخیص نمی‌دهم"، عمدی بودن حرکت به سوی نیروهای پلیس را رد کرده بود. وی از کشته شدن سه مأمور پلیس در اثر برخورد با اتوبوسی که راننده‌اش بود نیز ابراز ناراحتی کرده و گفته بود: "من عاشق اعدامم. این‌ها را نمی‌گویم که من را اعدام نکنند، من عاشق اعدام هستم. من با ماشین رفتم و می‌خواستم حادثه را رد کنم. عمداً روی آنها نرفتم، وجدانم راحت است." در جریان تظاهرات اعتراضی درویش گنابادی در ۳۰ بهمن پارسال در خیابان پاسداران تهران، ده‌ها تن از هواداران درویش در درگیری با مأموران امنیتی زخمی شدند. در آن روز به ادعای مقامات امنیتی، دو بسیجی نیز کشته و ۳۰ تن از مأموران نیروی انتظامی زخمی شدند. بر اساس برخی گزارش‌ها، در این تظاهرات اعتراضی و درگیری‌های پراکنده، دستکم ۳۰۰ تن از هواداران درویش گنابادی بازداشت شدند که شماری از آنها هنوز در زندان هستند. در همین حال، گزارش‌ها حاکی از جان باختن محمد راجی، درویش گنابادی بازداشت شده، در بازداشتگاه پلیس است؛ خبری که از سوی خانواده وی تأیید شده است. از سوی دیگر، عفو بین‌الملل در بیانیه‌ای اعلام کرد هشت تن از درویش گنابادی زندانی گفته‌اند که در اعتراض به آنچه "شکنجه و دیگر رفتارهای بی‌رحمانه و غیرانسانی" نامیده‌اند، از روز هفتم فروردین دست به اعتصاب غذا زده‌اند. عفو بین‌الملل روز نهم فروردین هم در بیانیه‌ای از وضعیت دستکم ۱۱ درویش زن که در زندان قرچک نگهداری می‌شوند ابراز نگرانی کرده و خواستار آزادی فوری آنها شده است.»

این واکنش‌ها در شرایطی اتفاق می‌افتد که در شب واقعه آشوب درویش در خیابان پاسداران تهران، اگر بجای نیروی امنیتی و انتظامی جمهوری اسلامی ایران، پلیس آمریکا یا انگلیس حضور داشت، قطعاً برخوردهایی به مراتب خشونت‌بار و شدید را در همان ابتدا شاهد بودیم.

اما شواهد و اظهارات فرماندهان ارشد پلیس ایران و همچنین شاهدین عینی نشان می‌دهد که تا حد بسیار زیادی با آشوبگران در خیابان پاسداران مدارا و همراهی صورت گرفته است و پس از چندین مرحله اعلام هشدار و تعیین فرصت برای دست کشیدن از آشوب و ترک محل در نهایت تعدادی از آن‌ها بازداشت شدند.

اما در مورد شخص محکوم شده که رادیو فردا آخرین دفاعیات خود را از او مطرح می‌کند باید بدانید که "محمد ثلاث"، راننده اتوبوسی که در شب اعتراضات در اویش در خیابان پاسداران تهران، به جمعیت سربازان و بسیجیان هجوم آورد و باعث شهادت و مجروح شدن تعداد زیادی از آنان شد، در دادگاه به جرم خود به طور واضح و گویا اعتراف کرده است.

وی در بخشی از اعترافاتش می‌گوید: "حدود ۱۰ الی ۱۵ روز در گلستان هفتم اقامت داشتم و داخل اتوبوس به سر می‌پردم و گاهی نیز می‌رفتم خانه دوش می‌گرفتم و سپس به داخل اتوبوس برمی‌گشتم. نیروی انتظامی موظف است نظم را برقرار کند نه اینکه به افرادی که ذکر خدا را می‌گویند با چماق حمله کند. سر من را از ۱۷ جا شکستند و همین مساله باعث شد من عصبی شوم و با اتوبوس روی آن‌ها بروم. مگر من خودم بچه ندارم؟ این‌ها هم مانند بچه‌های من هستند. راننده اتوبوس من بودم، اما مالک را نمی‌شناسم. آن اتوبوس را در خیابان گلستان هفتم گذاشته بودند؛ من قبلاً راننده اتوبوس بوده و سویچ هم روی اتوبوس بود، اما وقتی که عصبانی شدم پشت فرمان نشستم و الهی به امید تو. عصبی شدم و پشت اتوبوس نشستم و حرکت کردم، چون ماموران نیروی انتظامی من را ندیده بودم به سمت آن‌ها حرکت کردم. به هیچ چیز فکر نکردم و حتی به این فکر نکردم که از اتوبوس پیاده شود چه بلایی سرم می‌آید".

نامبرده در پاسخ به سوالات قاضی به طور شفاف قتل با اتوبوس را پذیرفته و آن را ناشی از عملکرد خودش دانست.

آنچه در بالا خوانده‌اید، یکصد و نود و یکمین شماره از مجله هفتگی رادیو دیروز است که همانند هفته‌های پیشین با عنوان "رادیو فردا در هفته‌ای که گذشت!" منتشر گردیده و در این شماره به بررسی خلاصه وار بخشی از مهم‌ترین برنامه‌ها و گزارشات این رسانه صهیونیستی - آمریکایی در دومین هفته از فروردین ماه 1397 (08 الی 16 فروردین ماه 1397) پرداخته است.